

خطرات دسترنج

با موضوع: خطرات رزمنده مازندرانی
تولد، تحصیلات، اشتغال و ازدواج،
سربازی، انقلاب اسلامی، ضد انقلابیون
و نااقلین: استان مازندران و سایر مناطق کشور،
بسم و شور، در جبهه در هشت سال دفاع مقدس
(سال ۱۳۳۶ تا ۱۳۹۸)

جمال الله دسترنج، کوهی



انتشارات نماشون



اداره کل حفظ آثار
و نشر ارزش‌های
دفاع مقدس استان مازندران

خاطرات دسترنج

دسترنج سوادکوهی، جمال‌الله / ۱۳۳۶ | خاطرات دسترنج، مؤلف:
جمال‌الله دسترنج سوادکوهی؛ [برای] اداره کل حفظ آثار و نشر
ارزش‌های دفاع مقدس مازندران؛ بازآفرین و ویراستار: ذبیح‌الله
ذبیحی ولوکشی | زیراب، نماشون / ۱۳۹۸ | ۱۲۸ ص / (بخش
رنگی) | شابک: ۵ - ۶۸ - ۲۶۵۹ - ۹۶۴ - ۹۷۸ | فیپا | جنگ
ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - خاطرات (Iran-Iraq War,
1980-1988, Personal narratives) | اداره کل حفظ آثار و
نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان مازندران | DSR ۱۶۲۹ |
۶۰۷۴۹۰۸ | ۹۵۵/۰۸ - ۰۹۲

مؤلف: جمال‌الله دسترنج سوادکوهی

مدیر دفتر: انتشارات - نشر ارزش‌های دفاع مقدس مازندران:

سرپرست: م. پاسدار عبدالله ملکی

معاونت ادبیات، انتشارات و تاریخ: آ. سید محمد صادقی سنگدهی

کارشناس نظامی و محتوایی: مفید اسماعیلی سراجی

بازآفرین و ویراستار: ذبیح‌الله ذبیحی ولوکشی

طراح جلد و صفحه‌آرا: س. سادات خاتون

نوبت چاپ: اول - زمستان ۱۳۹۸ شمردان: ۲۰ نسخه

چاپخانه: مجتمع چاپ افست زارع ساری

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر، متعلق به اداره کل حفظ آثار و نشر

ارزش‌های دفاع مقدس استان مازندران خواهد بود.

نشانی: مازندران، ساری، بلوار دفاع مقدس، اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های

دفاع مقدس استان مازندران، تلفن: ۳۳۱۱۲۱۸۶ - ۱۱



انتشارات نماشون



اداره کل حفظ آثار
و نشر ارزش‌های
دفاع مقدس استان مازندران

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار.....
فصل اول:	
۹	تولد و تحصیل.....
۱۱	رفتن به سرکار در قصر شاهپور.....
۱۳	ازدواج.....
۱۴	ماجرای جدا شدن از پدر و مادر.....
۱۵	ماجرای اعتراض به خاطر حقوق.....
۱۶	ماد ای آما، مکانیک رومانی.....
۲۰	ماجرای نعم، مه ارباشی.....
۲۳	ماجرای رفتن من، امعه، شی به اداره کشاورزی.....
۲۴	ماجرای ورود به پستان آرسی سرآسیاب کرمان.....
۲۷	ماجرای تعمیر آبگرمکن در دو آما زشی کرمان.....
۳۱	ماجرای سرویس بخاری.....
۳۲	ثبت نام برای سرباز پیمانی در ارتش.....
۳۴	ماجرای رفتن مرخصی ۱۰ روزه.....
۳۶	ماجرای تقسیم شدن و رفتن به صنایع دفاع تهران.....
۳۷	ماجرای مرخصی یک روزه من و کتک خوردن.....
۳۸	ماجرای گرفتن گواهینامه.....
۳۹	ماجرای رانندگی من و ماشین بلیزر.....
۴۰	ماجرای زیرگرفتن سگ تیمسار.....
۴۲	ماجرای تیمسار و پایان خدمت من.....
۴۵	پایان سربازی و شروع دوباره زندگی.....
۴۷	ماجرای خریدن ماشین و مسافركشی و خراب شدن ماشین.....
۴۹	ماجرای بازکردن تعمیرگاه تراکتور.....

۵۰ ماجرای چاه کن شدن من

۵۱ تعمیرگاه در کمربندی

۵۳ انقلاب و ورود من به سپاه پاسداران

فصل دوم:

۵۷ خرید برای سپاه از تهران

۵۹ ماجرای کمک به فرامرز

۶۵ ریه برای خط مقدم و شهادت

۶۷ ماجرای فرار خودرو بی ام و دستگیری او

۶۸ شهادت بسیجی در جاده قائم شهر

۷۰ ماجرای من با سرهنگ

۷۱ ماجرای من به اسنایه گریبان و بسته شدن به درخت

۷۳ ماجرای ازدواج و فوت خواهر عزیزم

۷۵ ماجرای درس خواندن امام خان ریاضی من

۷۶ ماجرای تکمیل کردن حساب شش

۷۷ ماجرای نقشه‌ی بردن خانواده من به ایران

۸۲ شراکت با حاج حسن پوری و ادامه تحصیل در بهبه و دانشگاه

۸۵ ماجرای سرکشی من به ادارات

۹۱ رفتن به مشهد و درو کردن گندم و مهمانی در اصفهان

۹۴ ماجرای زلزله رودبار و رفتن من با پدرم به آنجا

۹۵ ماجرای رفتن به مشهد و دلخوری مادرم از من

۹۸ ماجرای مشکل مالی من و خاطره صلوات از حاج آقا سلیمانی

۱۰۱ ماجرای عملیات در شهر فاو

۱۱۴ ماجرای عملیات در دهلران و تسویه حساب من

۱۱۸ ماجرای به دنیا آمدن و بیماری و فوت دختر عزیزم صدیقه

۱۲۱ تصاویر

پیش گفتار

کشور اسلامی ایران، قطعه‌ای گوهرخیز و ثروتمند از تمام جهات است که همواره در معرض هجوم همسایه‌های دور و نزدیک خود بوده و در دو قرن اخیر هر بار بعد از جنگ‌های مختلف تکه‌هایی از پیک هاش در دست دشمنان مانده و داغ سنگین و جان‌سوز آن بر دل هر ایرانی غیرتمند و مسلمان نشسته است.

شمشیر هجوم ناگهانی جهان کفر در اوج جشن و شادی انقلاب اسلامی، از آیین صدام بیرون آمده، دشمنان اسلام را بر این باور داشته که پاره‌ها، برگری از این پیکره‌ی مقدس را به دست خواهند آورد، اما بی‌خبر بر بدان ایمان و معنویت عظیمی که در پوست و خون این مردم خدایی و تقاری، وجود دارد که همواره در مصاف با زور و ستم کوه‌اند و تا پیروزی، نفا، ستوه.

جنگ هشت ساله‌ی استکبار جهانی در لاس صدام، نقطه‌ی آغاز ابهت و ارزش‌های ملت فرهنگی، دینی و مبارز ایران بوده و در حقیقت، قدرت بی‌بدیل ملتی که ریشه در نهضت و شوا داشته، بار دیگر ابر قدرت‌های تو خالی جهان را به شگفتی و داشت.

دوران دفاع مقدس پراز خاطرات تلخ و شیرین است به روش‌های آنان که در شب و روز ایثار و شهادت و شهادت از نزدیک، حس کردند و این حس قشنگ تا همیشه در بند بند وجودشان جلوه دارد و حتی با این خاطرات زندگی می‌کنند.

هیچ تردیدی نیست ثبت و ضبط صحنه‌های دفاع مقدس، از زبان آنان که از نزدیک و با تمام دردها و رنج‌ها حس کرده‌اند، حال و هوای خاص خودش را دارد و نیز برای نسل‌های جدید تجربه‌های ارزنده‌ای خواهد بود.

کتاب حاضر مجموعه‌ی خاطرات رزمنده‌ای است که در طول هشت سال دفاع مقدس با حضور خود در جبهه، شاهد وقایعی شاد و غم‌انگیز بوده که به یادمانی تأمل و نگاهی ویژه دارد.

این کتاب را در فصل شامل قبل از انقلاب و در بحبوحه‌ی انقلاب و دفاع مقدس مرزبانان و بسنده سعی کرده آنچه بر او گذشته، با زبان ساده و دور از اغراق روشنی‌تر درآورد.

به هر حال، زبانی که می‌تواند پیاپی انقلاب را به اعماق جامعه رسوخ دهد، زبان و ادبیات است. اهمیت قلم در بیان رهبر معظم، بسیار گویاست و خط‌مشی روشنی است برای مسئولان فرهنگی که از هر گونه تلاشی در این محور دریغ نورزند.

اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان تهران